

ایراز غصه تنها شدنش می بارد...



آخر هفته‌ها روز آمدن نوه‌ها به خانه پدربزرگ و مادربزرگ‌هاست. پنجشنبه‌ها عصر که هوا گرگ‌ومیش می‌شود و دلشان می‌گیرد، تنها نوه‌هایشان دلتنگی آنها را آرامش می‌دهند.

جام جم آنلاین: آخر هفته‌ها روز آمدن نوه‌ها به خانه پدربزرگ و مادربزرگ‌هاست. پنجشنبه‌ها عصر که هوا گرگ‌ومیش می‌شود و دلشان می‌گیرد، تنها نوه‌هایشان دلتنگی آنها را آرامش می‌دهند.

آنها احساس می‌کنند با این‌که چندروزی نوه‌شان را ندیده‌اند، چقدر دلشان برای دست‌های کوچک او تنگ شده است، اما امروزه در اغلب خانواده‌ها مهاجرت قصه زندگی آدم‌های این روزگار را تغییر داده است. شاید بتوان گفت برخی پدربزرگ و مادربزرگ‌ها ماه‌ها و شاید سال‌هاست نوه‌هایشان را در آغوش نگرفته‌اند. آنها دیگر عادت کرده‌اند، سر ساعت پای کامپیوتر باشند.

درصد زیادی از آنها کیلومترها دور از نوه‌های خود زندگی می‌کنند. کودکان سریع رشد و تغییر می‌کنند، بنابراین پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی که با نوه‌های خود فاصله دارند، گاهی اوقات سعی می‌کنند با نگهداری جزئیات روز به روز زندگی نوه‌های خود، با گذشت زمان مبارزه کنند. ارتباط عاطفی با نوه‌ها آرزویی است که آنها برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، اما مهاجرت و نبود ارتباط رو در رو سبب مشکلاتی شده است.

آمار و ارقام سازمان ثبت‌احوال کشور نشان می‌دهد بیشترین تعداد مهاجران ایرانی با یک میلیون و 400 هزار نفر جمعیت مربوط به کشور آمریکا است و 800 هزار ایرانی در امارات متحده عربی زندگی می‌کنند. انگلیس و کانادا با 410 هزار، آلمان با 210 هزار، فرانسه با 155 هزار و سوئد با 110 هزار ایرانی اغلب کشورهایی هستند که ایرانیان در آنجا حضور دارند.

شاید بتوان گفت این آمار از پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی خبر می‌دهد که از نوه‌های خود دور شده‌اند، اما برآستی با این پدیده چگونه باید مواجه شد؟ چطور می‌توان فرهنگ دور ماندن از فرزندان و نوه‌ها را در جامعه آموزش داد؟ چگونه می‌توان تنور ارتباط بین نوه و پدربزرگ و مادربزرگ‌ها را گرم نگه داشت؟

در این رابطه محمود آخوندزاده، کارشناس خانواده به [#171جام‌جم»را](#) می‌گوید: در جهان امروز با توجه به تغییرات در شیوه زندگی، افراد با آسیب‌هایی مواجه می‌شوند. در میان این تغییرات، پیشرفت تکنولوژی، افزایش جمعیت و بحران اشتغال و اقتصاد باعث پدیده‌ای به نام مهاجرت شده است. مهاجرت به نوعی تغییرات گسترده اجتماعی را در ماهیت ازدواج و خانواده ایجاد کرده، اما نکته حائز اهمیت این است که خانواده ایرانی مانند خانواده غربی ذاتاً نتوانسته با مساله مهاجرت فرزندان کنار بیاید.

وی ادامه می‌دهد: زمانی که مهاجرت صورت می‌گیرد با فاصله‌ای که بین خانواده‌ها ایجاد می‌شود، یک نوع محرومیت عاطفی احساس می‌شود. در حال حاضر برخی خانواده‌ها در ایران راه‌های کنار آمدن با این امر را نیاموخته‌اند و آن را با تمام وجود حس می‌کنند. این مساله گاهی به بیماری‌های روانی و افسردگی منجر می‌شود.

آرزوها در میانه راه

آخوندزاده می‌گوید: همه افراد برای آینده‌شان طرح و برنامه‌ای دارند. برای رسیدن به اهدافشان برنامه‌ریزی می‌کنند و اگر در این راه مانعی وجود داشته باشد، عصبی و افسرده می‌شوند. پدربزرگ و مادربزرگ‌ها طی سالیان زندگی‌شان نقشه این راه را ترسیم کرده‌اند، اما زمانی که مهاجرت اطرافیان‌شان امری اجتناب‌ناپذیر می‌شود، احساس می‌کنند دیگر نقش تکیه‌گاه را برای خانواده ایفا نمی‌کنند و به نوعی با خلأ عاطفی و احساس کاهش مقبولیت و ارزشمندی مواجه می‌شوند.

آقای پرویزی که نوه‌اش در کانادا زندگی می‌کند، می‌گوید: این موضوع وحشتناک است که من تمام روزهای خود را با یاد نوهام سپری می‌کنم، اما هر بار که بعد از مدتی طولانی به دیدن آنها می‌روم، نوهام مانند غریبه‌ای با من رفتار کرده و عکس‌العمل او من را شوکه می‌کند. شاید این امر به دلیل نبود ارتباط رودررو ما در طولانی‌مدت و تغییر فرهنگ اوست.

این درمانگر خانواده می‌گوید: فرزند در طول مدت رشد، رفتارهایی را از پدر و مادر الگوبرداری می‌کند و رفتار با اطرافیان از جمله پدربزرگ و مادربزرگ را می‌آموزد و غیرمستقیم وظیفه خود را در قبال پدر و مادر خویش یاد می‌گیرد.

وی ادامه می‌دهد: وقتی پدر و مادر مهاجرت می‌کنند، بی‌هویتی اولین آسیبی است که زندگی کودک را خدشه‌دار می‌سازد. پدر و مادر

می‌توانند ارزش‌ها و اعتقاداتی که روزگاری آن را در خانواده آموخته‌اند به فرزندانشان بیاموزند و به نوعی برای آنها تابلویی زیبا از هویت و اصالتشان ترسیم کنند. این امر تا حدودی به آنها کمک خواهد کرد تا دچار بی‌هویتی نشوند.

هر کودکی در زندگی افسانه‌هایی مختلفی برای خود پرورش می‌دهد. پدربزرگ و مادربزرگ‌ها می‌توانند شخصیت‌های اصلی داستانی باشند که قبل از خواب برای کودکان گفته می‌شود. کودکان با قصه‌هایی که برایشان گفته می‌شود، افسانه‌های خود را می‌سازند. این کار والدین باعث می‌شود کودک ارتباط ذهنی خود را با پدربزرگ و مادربزرگ‌ها حفظ کند.

نکته: بازگویی خاطرات، نشان دادن آلبوم و قهرمان‌سازی از پدربزرگ و مادربزرگ در ذهن فرزندان کمک می‌کند تا آنها هیچ‌گاه ریشه اصلی‌شان را فراموش نکنند

مطالعات نشان داده است پدر و مادر در تمامی مراحل زندگی و در هر شرایطی برای فرزندان الگو هستند. زمانی که افراد مهاجرت می‌کنند به نوعی فرزندان از فرهنگ خود دور می‌شوند و درک و پذیرش درستی از ساختار خانواده ایرانی ندارند. در این میان والدین می‌توانند با وقت گذاشتن و گفت‌وگو در این زمینه اعتقادات و ارزش‌ها را به آنها یادآوری کنند.

نیازهایی که بی‌پاسخ می‌ماند

آخوندزاده با تأکید بر این که امروز با وجود مهاجرت، خانواده‌ها از یکدیگر فاصله گرفته‌اند، اما در حال حاضر باید از دور شدن‌های نزدیک نگران بود، عنوان می‌کند: ارتباط کلامی و گفت‌وگوهای تاثیرگذار میان افراد کاهش یافته است و در نهایت منجر به طلاق عاطفی شده است. می‌توان ریشه این امر را در دوری از پدربزرگ و مادربزرگ‌ها دانست، چراکه آنها بدرستی می‌دانستند، چگونه با یکدیگر گفت‌وگو سازنده داشته باشند.

پدربزرگ و مادربزرگ‌ها ستون خانواده‌ها هستند و آسیب دور بودن از نوه‌هایشان دوجانبه است. این افراد در این سنین نیازهای خاصی دارند. یکی از نیازهای این افراد، ارتباط کلامی و گفت‌وگو با اطرافیان است.

وی با اشاره به این موارد می‌گوید: افراد در میانسالی و بازنشستگی دنبال شنونده خوب هستند. تقریباً در این سن نوه‌ها همان‌هایی هستند که می‌توانند شنونده خوبی باشند و از نصایح و پندهای آنها بهره‌مند شوند، اما با وجود مهاجرت، اکثر نوه‌ها در کنار آنها نیستند.

برای پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی که از نوه‌هایشان دور هستند، شنیدن صدای آنها از همه چیز شیرین‌تر است بخصوص اگر آنها تازه به حرف زدن افتاده باشند. صدای آنها هم به کودک احساس محبت، عشق، امنیت و صمیمیت می‌دهد. حقیقت این است که این افراد بخش مهمی از زندگی کودک هستند و والدین می‌توانند با تهیه قاب عکسی از پدربزرگ و مادربزرگ و گذاشتن آن در مکان‌های مختلف خانه باعث شوند نوه‌ها هنگام صحبت کردن با آنها تصویرشان را داشته باشند.

به گفته این کارشناس، یکی دیگر از نیازهای افراد در این دوران محبت به اعضای خانواده است؛ محبتی بدون قید و شرط که می‌خواهند به نوه‌هایشان ارزانی کنند، اما در حال حاضر گاهی برای دیدار نوه‌هایشان حسرت می‌کشند.

مادربزرگی می‌گوید: با توجه به این‌که امکانات ارتباطی گسترش یافته است، اما این وسایل نمی‌تواند قابلیت بوسیدن و بغل کردن نوه‌هایمان را برابری فراهم کند و این امر از نظر روانی من را آزار می‌دهد.

فرزندانی که دنبال گمشده‌شان می‌گردند

کارشناس مسائل خانواده با بیان این که روزگاری پیران خردمند موجب وحدت خانواده می‌شدند، اما امروز راه‌های دور و مهاجرت‌ها، افراد را از این نعمت دور کرده است، می‌گوید: داشتن اصالت خانوادگی، جایگاه پدربزرگ و مادربزرگ‌ها را حفظ می‌کند و به نحوی اجازه کمرنگ شدن نقش آنها را در خانواده نمی‌دهد. حال آن که نبود توجه به این موارد سبب شده است فرزندان عصر حاضر دنبال گمشده‌ای بگردند که در زندگی‌شان آن را نمی‌یابند.

آخوندزاده ادامه می‌دهد: فرزندان باید در مرحله‌ای از زندگی #171;احسان به والدین؛ را یاد بگیرند، اما در حال حاضر که از خانواده‌هایشان دور هستند باید این امر را به‌گونه‌ای دیگر به فرزندانشان بیاموزند. بازگویی خاطرات، نشان دادن آلبوم، قهرمان‌سازی از پدربزرگ و مادربزرگ‌ها در ذهن فرزندان کمک می‌کند آنها هیچ‌گاه ریشه اصلی‌شان را فراموش نکنند.

ساده‌ترین مکالمات، نامه‌ها و یادآوری آداب و سنن از سوی والدین می‌تواند پیوند صمیمی بین پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و کودکان در

سراسر زندگی فراهم کند.

وقتی با نبودن‌ها کنار می‌آییم

گاهی مسافت‌ها به گونه‌ای است که رفت و آمدها را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد و فرزندان حداقل ماهی یکبار می‌توانند به دیدار پدر و مادرشان بروند، اما گاهی مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر، فاصله دیدارها را طولانی‌مدت می‌کند که در این صورت خانواده‌ها باید راه‌های ارتباطی دیگری برای بهبود ارتباط فراهم کنند.

خانم احمدی مادر بزرگی است که دور از نوه‌های خود زندگی می‌کند. او کارهای روزانه خود را طوری تنظیم می‌کند تا از طریق اینترنت هر روز زمان کافی برای ارتباط برقرار کردن با آنها داشته باشد. او از طریق دخترش متوجه علایق نوه‌های خود شده است و سعی می‌کند بیشتر در این درباره با نوه‌هایش صحبت کند.

به گفته کارشناس مسائل خانواده، برخی اوقات والدین مشوق هستند تا فرزندشان مهاجرت کند، در این صورت برای محرومیت‌هایی که احساس می‌کنند، تدبیری اندیشیده‌اند، اما در بعضی خانواده‌ها طی زمان و با گذشت سال‌ها، هنوز دوری از فرزندان مانند زخم التیام‌نیافته‌ای است که درمان پیدا نمی‌کند. با توجه به این که در عصر حاضر دوری نوه‌ها از پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها تقریباً تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی شده است و افراد برای دیدار نوه‌هایشان مجبور هستند ساعت‌ها در جاده رانندگی کنند یا سوار هواپیما شوند، اما نسبت به دهه گذشته پیشرفت تکنولوژی و راه‌های ارتباطی اینترنتی توانسته است تا حدودی غمگینی افراد را کاهش دهد.

استفاده از سرویس‌هایی با قابلیت نمایش ویدئویی از طریق وب کمک کرده است تا خانواده‌ها دیگر نگرانی در مورد هزینه‌های مکالمات تلفنی گسترده نداشته باشند. در واقع همکاری والدین به ارتباط دوسویه پدر بزرگ، مادر بزرگ و نوه‌ها کمک می‌کند.

هانیه ورشوچی / جامع